

نقد و تحلیل فیلم او اسپایک جونز



مواردی که در فیلم "او" مورد نقد و تحلیل قرار می دهیم:

- مقدمه ای بر فیلم "او"
- تحلیل درون مایه فیلم "او" اسپایک جونز
- آیا تکنولوژی برای آینده دنیا خطرناک است؟
- نقات قوت فیلمنامه و کارگردانی فیلم "او"
- نقد قاب بندی های فیلم "او"
- نگاهی به بازیگری، موسیقی و فضا در فیلم "او"
- تحلیل رنگ ها نمادهای استفاده شده در فیلم "او"
- مشاهده تریلر فیلم "او" (در انتهای مقاله)
- ثبت کامنت و مشاهده نظر سایر دوستان (در انتهای مقاله)



استودیو کاتشو

ارائه خدمات فیلمسازی و تدوین

- ✓ ایده پردازی و سناریو تیزر های تبلیغاتی
- ✓ تولید فیلم مستند و فیلم سینمایی کوتاه
- ✓ طراحی و ساخت انیمیشن و موشن گرافیک
- ✓ ساخت موزیک ویدئو ، فیلم مراسم و فرمالیته

کلیک کنید



www.Cutsho.com



در 2013 اسپایک جونز فیلمی تحت عنوان Her ساخت که انصافاً فیلم خیلی خوب و پر از معنا و مفهومی بود. می توان گفت در قرن 21 سینما به سمت تکنولوژی، جلوه های ویژه قوی تر و در کل فضای کامپیوتری-صنعتی رفت که این تصمیم سینماگران باعث شد فضای سینما کمی از محتوا فاصله بگیرد، هرچند فیلم های فوق العاده زیادی هم ساخته شدند اما خب فیلم های کلاسیک مثل 12 مرد خشمگین، کازابلانکا، پدرخوانده، سرگیجه و صدها عنوان کلاسیک دیگر را با فیلم های امروز مقایسه کنید! قطعاً به این نتیجه می رسید که هرچقدر فیلم های قرن 21 خوب و جذاب باشند بازهم دربرابر فیلم های کلاسیک چیزی کم دارند. بنابراین فیلم هایی که به تکنولوژی روز دنیا روی آورده اند از محتوا کاستی هایی دارند و فیلمی که به محتوا تکیه می کند به تکنولوژی اهمیتی نمی دهد. اما Her فرق می کرد، از محدود فیلم هایی که هم از لحاظ هنری و محتوا به یک اثر کامل و خوب تبدیل شد و هم از لحاظ تکنولوژی و فضای سایبری که خلق شده بود جذابیت ویژه ای داشت. اما چرا فیلم "او"، فیلم خوبی بود؟



تحلیل درون مایه فیلم "او" اسپایک جونز

فیلم "او" از لحاظ فیلمنامه یک شاهکار به تمام معناست، دیدید که اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی سال هم به همین فیلم رسید. یک فیلمنامه پرمعنا، پر از نماد، پر از رازهای نهفته و پر از خلق لحظات بی نظیر! واضح بگوییم که اگر قرار باشد صد فیلمنامه برتر تاریخ را نام ببریم قطعاً فیلم "او" در این لیست جای می گیرد. اسپایک جونز در اولین فیلمی که خودش صفر تا صد را نوشته اثری بی نظیر خلق کرده است. معنای متفاوت و حیرت انگیزی از عشق ارائه می کند، سال 2025، تئودور توامبلی (با بازی واکین فینیکس) که مردی به شدت درونگراست، در شرکتی کار می کند که نامه های زیبا و عاطفی برای اشخاصی که خود قادر به نوشتن آنها نیستند، می نویسد. او زیاد خوشحال نیست چون در آستانه طلاق از همسرش کاترین (رونی مارا)، زنی که از دوران کودکی با هم بزرگ شده اند، قرار دارد و روزهای تلخی را سپری می کند.

ایده اولیه یا بهتر است بگوییم چارچوب داستان به ظاهر کلیشه است، میلیون ها فیلم دیده ایم که یک مرد یا یک زن در آستانه طلاق قرار دارند و مشکلاتی عاطفی و اجتماعی را متحمل می شوند. اما اگر کلیشه را به یک قفل تشبیه کنیم، کلید این قفل ایده تکنولوژی سال 2025 و ایده هوش مصنوعی توسعه یافته است. کلید که نه، شاه کلید است! تئودور یک نرم افزار دارای هوش مصنوعی خریداری می کند، از آنجایی که او همیشه تنهاست یک راه متفاوت برای رفع تنهایی خود انتخاب می کند. نرم افزاری که مدام هم صحبت اوست و از آنجایی که تئودور یک صدای زنانه برای او انتخاب کرده (با صدای اسکارلت جوهانسون) شخصیت آن نرم افزار هم شخصیت کاملاً زنانه از خود نشان می دهد، مدام بروزرسانی می شود، بر همه چیز آگاه است و از همان روز اول برای تئودور مثل یک عاشق دلسوز حرف می زند و به او دلگرمی می دهد.

تئودور افسرده است، ناراحت است، غمگین است اما دواى این درد به دست سامانتاست. (هوش مصنوعى نرم افزار) به درست و غلط بودنش نگاه نکنید، شاید هیچ کس حاضر نیست حفره های تنهایی خود را با یک نرم افزار و یک صدا پر کند اما شخصیت آنقدر گوشه گیر است و آنقدر روزهای سختی را سپری می کند که هر شانسى را برای دورشدن از تنهایی امتحان می کند اما از مسیر خارج می شود. حتى یک بار مشاهده می کنیم که تئودور با یک دختر قرار ملاقاتی عاشقانه می گذارد و بعد از آن هم به خانه می روند اما تئودور مدام به سامانتا فکر می کند و میل عاشقانه درونی خویش را تسلیم یک صدا می کند، کم کم عاشق سامانتا می شود، به همین راحتی! او کل روابط اجتماعی خود را باطل می کند، تمام درگیری های ذهنی خود را رها می کند تا بتواند لحظاتی که سامانتا را در اختیار دارد یک شخصیت جذاب نشان دهد، انگار او باور کرده که سامانتا شخصیتی حقیقی است.



آیا تکنولوژی برای آینده دنیا خطرناک است؟

درواقع اسپایک جونز چنین رفتاری را از عوارض تنهایی و درونگرایی تعبیر می کند. او معتقد است تکنولوژی آینده دنیا نمی تواند خطرناک باشد و جای هیچگونه نگرانی برای آن نیست، حتی بیماری های لاعلاجی درمان شده اند، بحران های جهانی برطرف شده اند، اما مشکل تنهایی آدم ها همچنان بدون راه حل مانده است. شاید بتوانیم چنین موضوعی را اینگونه تعبیر کنیم که معنای فیلم "او" این است: تنهایی هیچگاه تمام نمی شود و تنها دردیست که درمانی ندارد. معنای زیبایی است اما زیباتر از آن درک موقعیت های سال 2025 است، نزدیک 2025 هستیم و دنیایی به مانند دنیای فیلم "او" هنوز مشاهده نکردیم، شاید تا 3 سال دیگر اوضاع فرق کرد اما مهم این است که جونز هدف نمایش آینده را داشته است و سال و ماه و روز برای او اهمیتی نداشته است. به آینده می رود، مردم حالا همه برای خودشان تصمیم می گیرند، خودشان مسائل را حل می کنند، از فقر رنج نمی برند و به درک و هوش بالایی رسیده اند و از تکنولوژی استفاده درستی می کنند اما این آشفته گی جامعه و نامساعد بودن شرایط از حالت واضح و بیرونی به ذهن افراد نفوذ کرده است.

یعنی شاید جامعه آرام باشد، اما مشکلات عاطفی که صرفاً بسته به ذهن و عواطف اشخاص دارد به کمک هیچ تکنولوژی و هیچ نرم افزاری رفع نمی شود. شاید هدف اسپایک جونز از قرار دادن محرک طلاق در فیلم "او" همین است، او می گوید که طلاق هم مشکل عاطفی بزرگی است که هیچ دانشمندی نمی تواند حل کند. نکته جایی جذاب تر می شود که قاضی چنین رفتارهایی از سمت تئودور مخاطب است، یعنی داستان به گونه ای نیست که نتیجه گیری خاصی به این مسئله داشته باشد یا نگرش شخصی خودش را به تصویر بکشد بلکه می خواهد مخاطب آن را تجزیه و تحلیل کند و ببیند آیا هوش مصنوعی برای رفع تنهایی مناسب است یا نه؟ تئوری مهمی که سرلوحه این کار بود؛ قاضی مخاطب است! بنابراین ختم کلام؛ فیلمنامه Her شاهکار است.



نقعات قوت فیلمنامه و کارگردانی فیلم "او"

نظریه ای که همه فیلمسازان دنیا از روز پیدایش سینما تا به امروز دارند این است که یک فیلمنامه قوی + یک کارگردانی ضعیف یک فیلم متوسط نسبتاً خوب ارائه می دهد. حالا فرض کنید فیلمنامه فیلم "او" قویست، کارگردانی هم به سمت و سوی عالی حرکت می کند، انتظار چه فیلمی را باید داشته باشیم؟ بله درست است، کارگردانی اسپایک جونز هم فوق العاده و کم نقص است. از قاب بندی ها گرفته تا نمادپردازی و محیط نمایشی فیلم "او"، همه و همه پر از منطق و معناست. اولین قاب و اولین پلان فیلم نمای نزدیکی از واکین فینیکس است، کلوزآپ شخصیت و بیان دیالوگ توسط او دال بر این است که فیلم می خواهد به اعماق شخصیت برود و سطحی نگری نمی کند. فیلم می خواهد افکار تئودور، رفتار و کردار او را به تصویر بکشد و در قاب اول این هدف را نمایان می کند، البته که در طول فیلم زیاد نمای کلوزآپ تئودور را مشاهده می کنیم، مواقعی که روی تخت با یک هندزفری خوابیده، زمانی که نشسته و مشغول به کار است و ...



نقد قاب بندی های فیلم "او"

پیاده روی های تئودور هم طبیعتاً قاب بندی شده اند، او به سمت دوربین حرکت می کند و اکثر مردم بر خلاف جهت او راه می روند، معمولاً هم اماکن شلوغ زیادی را در فیلم "او" مشاهده می کنیم که تئودور بر خلاف همه آن جمعیت راه رفته و به سمت دوربین می آید، این قاب چیزی جز این معنا نمی کند که تئودور با همه فرق دارد، تئودور تنهاست و رنج می کشد و به سمت دوربین حرکت می کند تا نیاز درونی خودش را نشان دهد. اگر برعکس بود و تئودور پشت به دوربین در حال حرکت بود یعنی خودش نمی خواهد چیزی بگوید بلکه مخاطب باید آن را تعقیب کرده و به دنبال کشف روحيات او باشد اما منظور اولیه فیلم این نیست و بر همین اساس هم قاب بندی می شود.

قاب آخرین پلان هم تئودور را نشان می دهد که روی پشت بام است و دارد به شهر نگاه می کند، او به درک و شعور بالایی رسیده و تفکرات خوبی را به حد اعلا رسانده و کل شهر را از بالا نگاه می کند، اما هنوز نقص دارد، چرا؟ چون ساختمان های بلندی را در گوشه کنار تصویر مشاهده میکنیم و تئودور را از دور می بینیم، یعنی شخصیت کامل تر شده اما بی نقص نیست. شاید هم دلیل چنین مفهومی زخم ها و رنج های تئودور است که در معنای فیلم نهفته و اینگونه تعبیر می شود که این رنج ها هرگز تمام نمی شوند. مهمترین نماد فیلم "او" بازی کامپیوتری است که تئودور بازی می کند، یک شخصیت کوتاه قامت که بدون هیچ همراهی، بدون هیچ هدفی، بدون هیچ مسیر و مقصد مشخصی حرکت می کند و تئودور هم بدون هیچ حسی آن را بازی می کند، در خود جمله پیداست، زندگی تئودور بی هدف و بدون مقصد است و احساس پوچی در زندگی خودش دارد.

فیلم "او" یک اثر نمادین است که در کارگردانی هم ادعا می کند، کارگردانی کم عیب و نقص است و همان خرده ریزه ایراداتی که می شود به فیلم گرفت اشتباهات ناخواسته ایست که در تصویر مشخص می شود، مثلاً؛ هنگامی که همسر سابق تئودور اوراق طلاق را امضا می کند، قلم او بین پلان ها تغییر می کند. یا وقتی تئودور کتابش را در صندوق پست پیدا کرد، ابعاد آن متناسب با صندوق پستی بود اما وقتی آن را در دفتر خود می خواند، اندازه کتاب همسان و هماهنگ با ابعاد صندوق پست نیست. این ایرادات نمی تواند کارگردانی را تا حد زیادی زیر سوال ببرد، درست است که هرچقدر دقت و تمرکز کارگردان بیشتر باشد کمتر چنین ایراداتی مشاهده می شود ولی این ضعف ها در تصویر مشخص می شوند یعنی بعد از تدوین. بنابراین نه می توان دفاع کرد و نه می توان گفت کار اشتباهی بوده است!



نگاهی به بازیگری، موسیقی و فضا در فیلم "او"

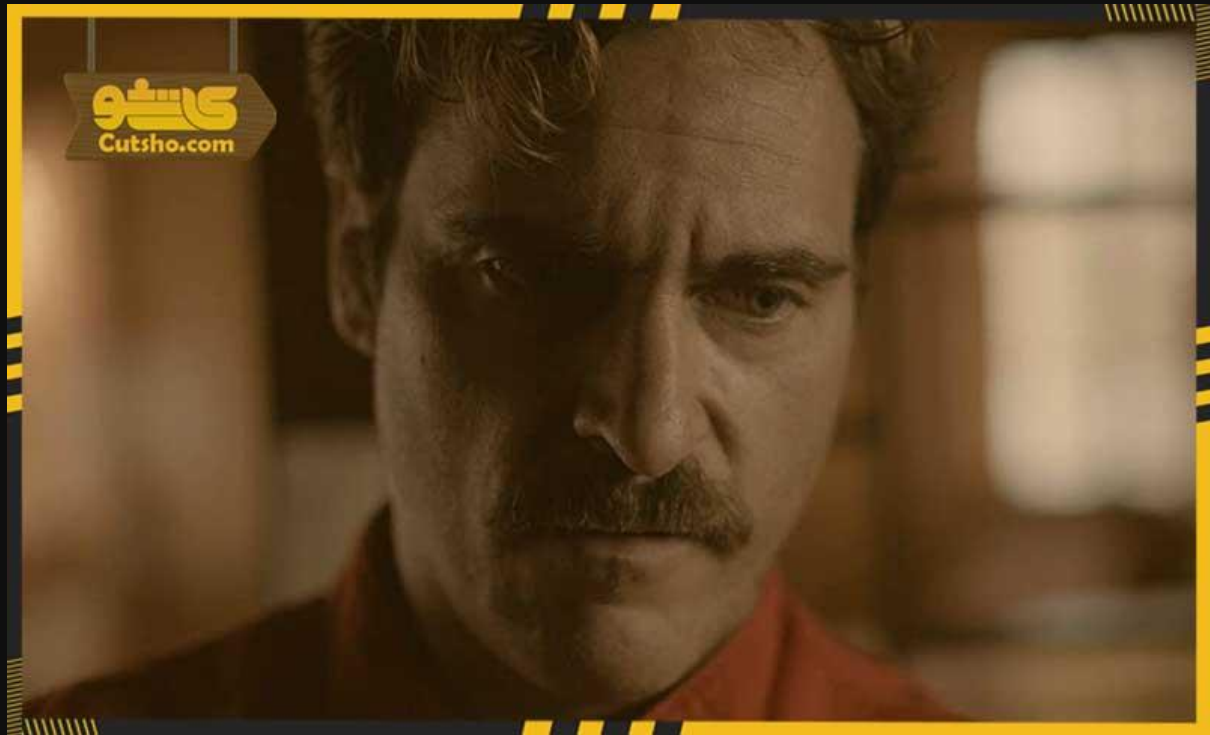
نقاط قوت فیلم "او" به فیلمنامه و کارگردانی خلاصه نمی شود بلکه بازی بازیگران مخصوصاً واکین فینیکس شگفت انگیز است. شاید واکین فینیکس حق اسکار بیشتری داشته باشد، هرچند توانایی یک بازیگر به اسکار ختم نمی شود، دی کاپریو یک اسکار گرفته، جیم کری تا به حال برنده اسکار نشده و واکین فینیکس هم فقط برای جوکر بعد از مدتی طولانی برنده اسکار بهترین بازیگری شد، آن هم انگار دیگر چاره ای نبود. اگر اسکار ملاک باشد واکین فینیکس باید برای فیلم های Master و همین فیلم هم جایزه را تصاحب می کرد اما خب برای بازیگرانی در سطح و لول جهانی جایزه تنها ملاک توانایی نیست.

فینیکس خارق العاده بازی می کند و مخاطب کاملاً او را حس می کند، مخاطب انگار او را می شناسد، انگار می خواهد او را ببیند و با او حرف بزند، شخصیت پردازی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما اگر بازیگری شخصیت بد باشد، طبعاً همذات پنداری مخاطب با شخصیت هم کاهش می یابد. نقاط اوج بازیگری او هم آخر شب هاست، وقتی می خواهد بخوابد و قبل از آن با سامانتا گفتگو می کند، او با چهره اش بازی می کند و می فهماند که حس و حال درونی او دقیقاً به چه شکل است. در یک کلام؛ واکین فینیکس شگفت انگیز است! موسیقی متن هم سازگار با داستان است، چیزی که هر کارگردان خوبی آن را می داند و به آن اهمیت می دهد، موسیقی متن فیلم خوب است اما چیزی که از آن بهتر است لوکیشن ها و محیط فیلم است.



تحلیل رنگ ها و نمادهای استفاده شده در فیلم "او"

فضای معنایی فیلم بسیار تیره و تاریک است اما با رنگ و لعاب دادن به در و دیوار با رنگ های روشن مردم را وادار به تماشا می کند، احتمالاً هر کارگردان دیگری بود فضای فیلم را متناسب به معنا و مفهوم فیلم تنظیم می کرد اما اسپایک جونز این کار را نکرد و فیلمش را رنگ آمیزی کرد. بازهم باید برگردیم به سراغ کارگردانی و نمادپردازی های آن! اسپایک جونز روانشناسی رنگ را هم به خوبی بلد است، او از رنگ های روشن و گرم مخصوصاً صورتی و نارنجی در فیلم زیاد استفاده می کند. در روانشناسی رنگ صورتی به معنای عشق بی قید و شرط است، یعنی هدف و منظور اصلی فیلم، همچنین این رنگ نماد امید به یک نتیجه مثبت است، چیزی که در تئودور زیاد دیده می شود، مخصوصاً از لحظه ای که با سامانتا آشنا می شود. نارنجی هم که نمادی از دوستی و ارتباطات نزدیک دو نفر است، همچنین شور و شوق و خوش بینی تعبیر می شود. افرادی هم که نارنجی را دوست دارند (یعنی تئودور که اکثر اوقات لباس نارنجی به تن دارد.) زودجوش هستند. یکی از معانی رنگ نارنجی در اشخاص این است که اینگونه افراد (علی الخصوص مردان) روابط عشقی پایداری ندارند، تئودور طلاق گرفته است و ما این معنا را پنهان شده در رنگ نارنجی می بینیم. نوع بی نظیر اسپایک جونز در تک تک لحظات فیلم "او" پیداست.



جمع بندی و سخن پایانی

باید قبول کرد فیلم Her شاهکار ادبی سینماست ولی آنطور که باید و شاید از سمت مردم به آن توجه نشده، شاید چون فیلم خیلی تخصصی تر از این حرف ها بود که عامه پسند باشد، البته که نمره مردم به این فیلم 8 از 10 است اما خب خیلی ها بر این باورند که فیلم "او"، فیلمی معمولیست و آنقدر خوب نیست. چرا؟ چون این فیلم زبان تخصصی سینما را در دل خود جا داده است، یک فیلم کاملاً کارگردانی شده، حرفه ای و پر از نکات ریز و درشت پنهان! به همین دلیل هم نمره منتقدین در راتن تومیتوز و متاکریتیک به این فیلم بسیار بالاست. فیلم آنقدر نکات حرفه ای حیرت انگیزی دارد که اگر عیب و نقصی هم داشته باشد باید از آن چشم پوشی کرد و از تماشای نکات فیلم لذت برد. در پایان باید گفت اگر از یک شکست عشقی یا یک خاطره تلخ عاشقانه رنج می برید فیلم "او" را تماشا نکنید! بیشتر عذاب می کشید و نمک روی زخم شما می پاشد. اما اگر هنوز طعم تلخ عشق را نچشیده اید حتماً فیلم را تماشا کنید، فیلمی که دایره المعارف عشق بود.



نویسنده

علی سرورعظیمی

خدمات فیلمسازی استودیو کاتشو

ساخت تیزر تبلیغاتی

ساخت فیلم صنعتی

ساخت فیلم مستند و فیلم کوتاه سینمایی

طراحی موشن گرافیک و انیمیشن سازی

ساخت فیلم مراسم ، فرمالیته ، موزیک ویدئو و...

خدمات ویدیو مارکتینگ و سوشیال مدیا

کاتشو